

ناصر پورابراهیم*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۵

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تحول روابط ترکیه و عربستان از منظر نظریه مجموعه امنیتی و چگونگی تاثیر تحولات منطقه‌ای بر روابط دوجانبه اقتصادی، سیاسی و نظامی آنکارا و ریاض در ۲۰۰۲-۲۰۱۶ است که تلفیقی از رقابت و همکاری میان دو کشور در برهه‌های مختلف است. فرضیه اصلی پژوهش حاضر بهبود روابط ترکیه و عربستان بعد از تهاجم آمریکا به عراق در ۲۰۰۳، واگرایی روابط در انقلاب مصر ۲۰۱۳ و درجه بالایی از هم‌گرایی در بحران سوریه ۲۰۱۵ است. در بخش اول مقاله تاریخ مختصری از روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی دو کشور در ۱۵ سال اخیر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در بخش دوم به بررسی رویکرد سیاست خارجی ترکیه و عربستان در دوره قبل (حمله آمریکا به عراق و بحران لبنان) و بعد از بهار عربی (انقلاب مصر و بحران سوریه) در خاورمیانه پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: ترکیه، عربستان، مجموعه امنیت منطقه‌ای، خاورمیانه، عدالت و توسعه

* عضو هیات علمی دانشنامه جهان اسلام و دانشجوی دکتری دانشگاه خاورمیانه ترکیه pourebrahim.nasser@metu.edu.tr

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست‌وسوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۱-۱۰۶.

مقدمه

بعد از تأسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳ و پادشاهی عربستان در ۱۹۳۲، روابط دو کشور در سطح بسیار بالایی متأثر از مسائل منطقه‌ای در خاورمیانه بوده است. رویکرد هر دو کشور به تحولات خاورمیانه بر روابط دوجانبه نیز تأثیر داشته است. با شروع تحولات جهان عرب (بهار عربی) دو کشور شاهد تأثیرات مثبت و منفی در روابط دوجانبه خود بودند. هر دو کشور رویکردهای مختلفی در قبال بهار عربی داشتند که در برخی موارد با منافع منطقه‌ای یکدیگر نیز در تضاد بود. ترکیه قیام‌های عربی را فرصتی مناسب برای همگون شدن سیستم‌های حکومتی عربی با جوامع عرب فرض می‌کرد و روی کارآمدن حاکمان جدید را قدمی در رابطه با تأمین امنیت و صلح در منطقه تصور می‌کرد، حال اینکه عربستان سعودی تحولات جهان عرب را گامی در مسیر بی‌ثباتی و هرج و مرج در بلندمدت می‌دانست. اختلاف رویکرد دو کشور به‌طور مشخص در تحولات مصر، هم در انقلاب ۲۰۱۱ و هم در تحولات جولای ۲۰۱۳ مصر نمود پیدا کرد. از آن برهه روابط دو کشور تا حدودی سرد شد، به‌طوری که در انتخاب عضو غیردائم شورای امنیت در ۲۰۱۴ لابی عربستان به مخالفت با عضویت ترکیه در این شورا پرداخت. نشانه‌های چندی از تعدیل مواضع ضدخوانی در دولت سعودی پدیدار شد که باعث نزدیک‌تر شدن عربستان سعودی و ترکیه گردید. نمونه بارز آن توافق عربستان با حزب اصلاح یمن (شاخه یمن اخوان المسلمین) در مبارزه با حوثی‌های یمن است. از نظر ترک‌ها استنکاف کاخ سفید از تغییر رژیم در سوریه باعث افزایش نفوذ ایران در سوریه می‌شد، لذا مواضع عدالت و توسعه به عربستان نزدیک شد.

عناصر اصلی اثرگذار بر روابط دو کشور چیست؟ رویکرد سیاست خارجی عربستان و ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و نقاط افتراق و اشتقاق آنها کدامند؟ آیا امکان توسعه این روابط و تشکیل مجموعه امنیتی منطقه‌ای وجود دارد یا خیر؟ اینها سوالات اصلی پژوهش حاضر می‌باشند که با بررسی تاریخ تحول روابط دو کشور و سیاست خارجی آنها در قبال تحولات خاورمیانه در چارچوب مجموعه امنیت منطقه‌ای بدان پرداخته خواهد شد.

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای

نظریه مجموعه امنیتی یکی از زیرشاخه‌های مطالعات امنیتی و منطقه‌ای هست که توسط باری

بوزان و اولویور ایجاد شد. این نظریه در واقع واکنش مکتب کپنهاگ به سطح تحلیل خرد (داخلی) و جهانی امنیت در دوره جنگ سرد و هدف آن اهمیت دادن بر عوامل منطقه‌ای در تحلیل‌های امنیتی بود. بر این اساس «مجموعه امنیت منطقه‌ای شامل گروهی از کشورهاست که نگرانی‌های امنیتی آنان چنان به هم مرتبط هستند که تامین امنیت ملی آنها به‌طور جداگانه قابل تصور نیست.» (Buzan, 1983: 10) در این تعریف بوزان عوامل چندی را مورد تاکید قرار داده است. تعامل^۱ میان واحدهای سیستم به عنوان عامل اصلی شکل‌گیری مجموعه امنیتی در منطقه و وجود روابط امنیتی میان کشورهای مستقل موجود در منطقه برای ایجاد مجموعه امنیتی منطقه‌ای از عناصر اساسی است. مورگان و لیک نیز بر نقش تعامل در مجموعه امنیت منطقه‌ای تاکید دارند، آنها مجموعه امنیتی را شماری از کشورها می‌دانند که به‌وسیله یک یا چند عامل جانبی^۲ در جغرافیایی مختلف ایجاد می‌شود و اعضا چنان از نظر امنیتی به هم پیوسته هستند که عمل یک عضو تاثیر عمده‌ای بر سایر بازیگران دارد. (Lake & Morgan, 1977: 12) بعدها بوزان و اولویور تمرکز نظریه را از دولت‌محوری به چگونگی مقابله با تهدیدات غیرسنّتی (مدرن) معطوف کردند. آنان در تعریف مجدد خود از مجموعه امنیت منطقه‌ای آن را «مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیتی شدن، غیرامنیتی شدن و یا هر دو آنها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به‌صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل‌وفصل شود.» (Buzan, Weaver & Jaap, 1998: 201) امنیتی شدن و غیرامنیتی شدن جزو عناصر مهم نظریه امنیت منطقه‌ای بود که بوزان در کتاب ۱۹۹۸ خود مطرح کرد و تلاش کرد تا تهدیدات جدید غیرسنّتی را که بعد از پایان جنگ سرد آغاز شدند، تبیین نماید.

امنیتی شدن عبارت است از فهم بین‌الذهانی از تهدیدات موجود که نیازمند توجه فوری و سریع به آن و استفاده از ابزارهای ویژه برای مواجهه با آن است. (Weaver, 1995: 51) مهم‌ترین استدلال امنیتی شدن عبارت است از اینکه امنیت امری کنش‌گفتاری^۳ است و امنیت زمانی ایجاد می‌شود که

-
1. Interaction
 2. Externalities
 3. Speech Act (Illocutionary)

تهدید را بیان کنیم، بازیگر امنیتی ساز ادعا می کند که حق استفاده از ابزارهای ویژه برای تضمین بقاء را دارد. لذا موضوع مورد مطالعه از حوزه عادی سیاسی خارج شده و در عرصه سیاست های ویژه قرار می گیرد. با این حال همه امور در عرصه امنیتی نیست. (Buzan, Weaver & Jaap, 1998: 6) در کنار امنیتی شدن و تعامل، نظریه مجموعه امنیتی عامل شناخت را برای ایجاد مجموعه امنیت منطقه ای اساسی می داند. این عامل به ویژه بر بعد منطقه ای همکاری ها تاکید دارد که شامل دو نوع شناخت داخلی و خارجی است. شناخت داخلی و یا شناخت از خود و دیگران را در مجموعه های امنیتی مشخصی تصور می کند. نظریات سازه نگاری، مناطق را واحدهایی در نظر می گیرند که به صورت اجتماعی معنا پیدا می کنند و اهمیت دارند (Buzan, 1986: 6-10)، زیرا کشورها خودشان در کنار هم منطقه ای مشترک و آینده ای مشترک دارند. بنابراین، مناطق آن چیزی هستند که دولت ها ایجاد می کنند. (Wendt, 1992: 393) شناخت داخلی و خارجی محصول این برداشت مشترک است. بازیگران سیاسی زیرسیستم منطقه ای کاملاً بر وجوه تمایز خودشان واقف هستند و بازیگران خارجی نیز آن را به عنوان منطقه ای متمایز شناسایی می کنند. خودشناسی منطقه ای نقش مهمی در افزایش تنش های سیاسی میان اعضای سیستم منطقه ای در حوزه های مورد اختلاف ایفا می کند. استفاده از مفاهیمی مانند سرنوشت مشترک مسلمانان سنی، گسترش دموکراسی در جهان اسلام، دفاع از مظلومین، مبارزه با داعش و تروریسم توسط کشورهای مجموعه منطقه ای خاورمیانه از این منظر قابل تحلیل و فهم هست.

عامل جغرافیایی نیز در ایجاد مجموعه امنیتی نقش بسزایی دارد. منظور از جغرافیا عبارت است از محلی که روابط امنیتی در آن منطقه جغرافیایی اعمال می شود و اعضای مجموعه امنیتی به طور موثری در آن روابط ایفای نقش می کنند. از نظر جغرافیایی کشورهای عضو امنیت خودشان را بسیار وابسته به امنیت سایر واحدها در مجموعه امنیت منطقه ای می دانند. (Lake & Morgan, 1977: 48) مجاورت جغرافیایی باعث افزایش تعامل امنیتی میان همسایگان در زمینه های محیط زیست، اجتماعی و سیاسی نیز می شود. (Lake & Morgan, 1977: 31)

جغرافیا عنصر بسیار مهمی در ایجاد مجموعه امنیتی منطقه ای است، اما بحث وجود قدرت های جهانی در مجموعه امنیتی نیز خود عامل مهمی دیگری است، لیک و مورگان استدلال می کنند

که قدرت‌های بزرگ می‌توانند در زمان به‌خطر افتادن منافع خود در مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای وارد شوند، هرچند که مجاورت جغرافیایی با آن مجموعه نداشته باشند. بر این اساس ایالات متحده در اکثر مجموعه‌های منطقه‌ای حضور دارند؛ زیرا منافع متقابل طرفین در گرو حضور قدرت‌های بزرگ است (Buzan, Weaver & Jaap, 1998: 7)؛ قدرت‌هایی مانند آمریکا و روسیه نقش مهمی در گسترش و یا کاهش روابط میان ترکیه و عربستان ایفا کرده‌اند.

بوزان حضور آمریکا در مجموعه امنیت منطقه‌ای اروپا و حتی خاورمیانه را تایید نمی‌کند. وی مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای را بر حسب عواملی مانند جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، منازعات سنتی تقسیم می‌کند. در آن‌سو مورگان و لیک در تقسیم‌بندی مناطق تا حدودی منعطف هستند و فضایی را برای تعامل مجموعه‌های امنیتی قائل هستند که در برخی موارد فهم اعضا درباره حوادث و موضوعات و واکنش به عوامل جانبی می‌تواند هماهنگ و یا اختلاف داشته باشد و این عوامل نیز خود در شکل‌گیری مجموعه امنیتی اثرگذار است، بنابراین تقسیم‌بندی مجموعه‌های امنیتی براساس اصول متصلب چندان هم راهگشا نیست.

در پاسخ به سوال جایگاه ترکیه در مجموعه امنیت منطقه‌ای، بوزان آن را عضو مجموعه منطقه‌ای اروپا، خاورمیانه و آسیای میانه نمی‌داند. وی اصطلاح دولت حائل^۱ را برای توصیف ترکیه به‌کار می‌برد و آن را شبیه افغانستان و برمه می‌بیند که از لحاظ فرهنگی و سیاسی کاملاً وابسته به هیچ مجموعه منطقه‌ای نیست. علاقمندی اخیر ترکیه به خاورمیانه از نظر بوزان پیشرفت مهم و درخور توجهی است، اما سنت تمایل ترکیه به اروپا، دشمنی با ایران، سوریه و عراق باعث شده تا منافع عمیقی در منطقه نداشته باشد، بلکه با تهدیدات عمیقی مانند بحران آب (با سوریه و عراق) و بحران کردها مواجه باشد. بنابراین وی استدلال می‌کند که ترکیه احتمالاً در همان جایگاه کشور حائل باقی خواهد ماند. اما بسیار مشتاق به ایفای نقش قدرت منطقه‌ای در درون خاورمیانه است. بعد از تحولات اخیر بوزان پذیرفت که مفهوم حائل چالش‌برانگیز است، اما اعلام کرد که برای کشور حائل اتخاذ سیاست خارجی فعال برای ارتقای جایگاه خود امری طبیعی است. وی ترکیه را در

وضعیت ستون دو مجموعه امنیتی منطقه خاورمیانه و آسیای میانه می‌بیند که اگر ترکیه به اندازه کافی قدرتمند بشود می‌تواند مجموعه‌های امنیتی را درنوردد و به جایگاه قدرت منطقه‌ای صعود کند و یک مجموعه امنیت منطقه‌ای در این قالب ایجاد نماید.

بوزان عربستان سعودی را در زیر مجموعه امنیتی خلیج فارس و به‌عنوان رهبر زیر مجموعه امنیتی که شامل کشورهای خلیج فارس است، تعریف می‌کند. (Buzan & Weaver, 2003, 191-192) احتشامی آن را قدرت متوسط معرفی می‌کند که قادر به بازی در جغرافیای اطراف خود و حصول به منافع خود در منطقه است. (Ehteshami, 2014: 36)

مقاله حاضر با بهره‌گیری از نظریه امنیتی شدن سعی خواهد کرد تا ابتدا تاریخ مختصری از روابط ترکیه و عربستان را به‌عنوان دو بازیگر عمده مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بررسی نماید و در بخش دوم با تمرکز بر دو برهه قبل و بعد از انقلاب‌های عربی رویکرد سیاست خارجی دو کشور در قبال عراق بعد از تهاجم آمریکا در ۲۰۰۳، لبنان بعد از ۲۰۰۶، مصر بعد از ۲۰۱۱ و سوریه بعد از ۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار دهد.

تاریخ روابط ترکیه و عربستان سعودی

به سبب تفاوت‌های اساسی در سیاست خارجی، ایدئولوژی و سیستم سیاسی میان دو کشور تا میانه دهه ۶۰، تلاشی برای توسعه روابط دوجانبه انجام نشد. در دهه ۷۰ ترکیه برای جذب حمایت بین‌المللی در موضوع قبرس سعی در بهبود روابط با کشورهای مسلمان داشت و در ۱۹۶۹ به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی درآمد و با سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۱۹۷۵ ارتباط برقرار کرد. (Arakan, 1993: 102) در واکنش به این تحولات، عربستان سعودی رویکردی سازنده به مسئله قبرس اتخاذ کرد و با حمله نظامی ترکیه به قبرس در ۱۹۷۴ مخالفتی نکرد. از سوی دیگر، عربستان مقصد اصلی مهاجران ترک در دهه ۸۰-۷۰ بود که عمدتاً در بخش ساختمان‌سازی آن مشغول بودند و شمار آنها در حدود ۱۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. (Koni, 2012: 98-99)

در دهه ۸۰ با اتخاذ سیاست آزادسازی اقتصادی تورگوت اوزال، بانک‌های عربستان در ترکیه شروع به فعالیت کردند. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد شکل گرفت، عربستان و ترکیه روابط

اقتصادی خود را توسعه دادند. هم تجار و هم سیاستمداران اسلام‌گرای (عمدتا هواداران ملی گوروش) ترکیه با عربستان رابطه برقرار کردند. (Uras, 14 March 2011: Milliyet) در واقع گسترش سرمایه‌گذاری عربستان در ترکیه متأثر از تغییرات داخلی ترکیه و رشد اسلام‌گرایی در داخل ترکیه در میانه دهه ۸۰ بود. در ۱۹۸۵ نهادهای مالی بزرگ سعودی مانند شرکت‌های تجاری البرکه^۱، فیصل (مالک آن محمد الفیصل السعود) و فامیلی^۲ در ترکیه شروع به کار کردند. (العلاقات السعودية التركية، ۲۰۱۵: ۵-۴) عربستان سعودی روابط تجاری خود را با برخی از اعضای مهم حزب مام‌وطن (حزب حاکم) توسعه داد.

در زمان جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱، دو کشور در جبهه یکسانی علیه صدام حسین بودند و عربستان سعودی برای جبران خسارت اقتصادی ترکیه، وام‌هایی برای کمک به این کشور داد. با این حال در اوایل دهه ۹۰ روابط دو کشور به سردی گرایید و علت آن اختلافات ترکیه با سوریه بر سر مسئله کردها و آب رودخانه فرات بود و باعث شد تا عربستان سعودی علیه تقاضای وام ترکیه در صندوق بین‌المللی پول برای ساخت سد آتاتورک لابی کند، اما این وضعیت بعدها با روی کار آمدن دولت جدید تغییر کرد. برداشت عربستان سعودی از ترکیه کاملاً متأثر از محافظه‌کاری اسلامی و عرب‌گرایی است. براساس تفکر وهابی، سکولاریسم گفتمانی غیراسلامی و دولت ترکیه دولتی غیراسلامی است. از منظر عربیسم، عربستان سعودی مخالف روابط ترکیه با اسرائیل در اواخر دهه ۹۰ بود. (Altunisik, 2012)

روابط سیاسی

با روی کار آمدن عدالت و توسعه تصور منفی از نظام سکولار ترکیه در نزد کشورهای عربی از میان رفت. آنکارا با کنار گذاشتن سیاست بی‌توجهی به منطقه و توجه به خاورمیانه و درگیر شدن در تحولات منطقه، سعی در ایفای نقشی فعال در خاورمیانه داشت. عدالت و توسعه ابتکارهای چندی در منطقه خاورمیانه ارائه نمود که اختلاف زیادی با سیاست‌های سابق داشت.

در میان این ابتکارها می‌توان به سیاست همکاری و همراهی با حماس، تشکیل گروه همسایگان عراق در ۲۰۰۳، ایجاد روابط دوستانه با سوریه در ۲۰۰۸، حمایت از برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز آن و گسترش روابط با کشورهای حوزه خلیج اشاره کرد.

در ۲۶ آگوست ۲۰۰۶، ملک عبدالله دیدار سه روزه‌ای از ترکیه داشت و این سفر پنجمین سفر وی بعد از چین، هند، پاکستان و مالزی بود که بعد از انتخاب وی به عنوان پادشاه عربستان در ۲۰۰۵ انجام گرفت. این دیدار در واقع اولین دیدار پادشاه عربستان از ترکیه از زمان تاسیس عربستان در ۱۹۳۲ بود. خارج از آن فیصل پادشاه وقت عربستان در ۱۹۶۶ برای شرکت در اجلاس بین‌المللی به استانبول سفر کرده بود. یکی دیگر از نشانه‌های بهبود روابط میان ترکیه و عربستان سعودی، انتخاب اکمل‌الدین احسان اوغلو به عنوان دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی بود که از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ تا ۳۱ ژانویه ۲۰۱۴ در این سمت باقی ماند. عربستان سعودی و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز از نامزدی او حمایت کردند. وی به عنوان اولین دیپلمات ترک توانست به این جایگاه برسد. (Kayaoglu, 2015: 159)

با انتخاب عبدالله گل به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه، دومین سفر پادشاه عربستان به آنکارا در نوامبر ۲۰۰۷ انجام شد. این دیدار هم‌زمان با شروع بحران ریاست جمهوری لبنان، آغاز مذاکرات صلح میان اعراب - اسرائیل در آنابلیس، تشدید وضعیت ناامنی در عراق و تهدید ترکیه به دخالت مستقیم در منطقه شمال عراق بود. به علاوه دو طرف اختلافات جدی درباره مسئله هسته‌ای ایران با هم داشتند و این دیدار بیانگر تلاش دو کشور برای اتخاذ مواضع مشترک در قبال این تحولات بود و در قالب حمایت از حل مسئله اعراب و اسرائیل به‌طور صلح‌آمیز، محکومیت تروریسم، و لزوم حفظ تمامیت ارضی عراق اعلام شد.

در چهارم ژانویه ۲۰۰۹ نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، اولین سفر خود به عربستان سعودی در قالب سفر دوره‌ای از مصر، سوریه و اردن انجام داد که با هدف رایزنی درباره حمله اسرائیل به نوار غزه در ۲۰۰۸-۲۰۰۹ انجام شد. ترکیه سعی در ایجاد آتش‌بس در این منطقه از طریق رایزنی با ایالات متحده و کشورهای عرب داشت. اردوغان در این دوره دیداری نیز با خالد مشعل و محمود عباس داشت و محور مذاکرات اردوغان در عربستان نیز با ملک عبدالله موضوع فلسطین بود. (Iha, 2008)

در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۰، اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، سفری دیگر به عربستان داشت که تجار

ترک در این سفر وی را همراهی می‌کردند. در جریان این سفر به وی نشان خادم‌الاسلام اعطا شد؛ نشانی که براساس اخبار برخی رسانه به خاطر مواضع اردوغان در داووس به وی اعطا شد. همچنین دانشگاه ام‌القرای عربستان نیز به وی دکتری افتخاری اعطا کرد. (وکالة الأنباء السعودية، ۲۰۱۰)

در سطح وزرای خارجه، احمد داوود اوغلو، در دوم ژانویه ۲۰۱۱، که مصادف با میانجی‌گری میان فتح و حماس بود، از ریاض دیدار کرد. وزیر خارجه عربستان نیز در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۱ از آنکارا دیدن کرد که دو محور عمده آن نیز بحث درباره آینده حکومت فواد سینیوره در لبنان و تجدید تنش‌ها در لبنان بود.

در ۱۳ آوریل ۲۰۱۲ اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، برای رایزنی با عربستان در زمینه روابط اقتصادی، مسئله سوریه و مسئله هسته‌ای از ریاض دیدار کرد. در ۱۴-۱۵ آگوست ۲۰۱۲ عبدالله گل برای شرکت در اجلاس فوق‌العاده سازمان کنفرانس اسلامی درباره سوریه به عربستان سفر کرد. (Muhittin, 2012)

اولین سفر رسمی اردوغان بعد از روی کار آمدن ملک سلمان از ۲۸ فوریه تا دوم مارس ۲۰۱۵ انجام شد. در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ اردوغان دومین سفر خود به ریاض را به‌عنوان رئیس‌جمهور ترکیه انجام داد. ملک سلمان در ۱۶-۱۵ نوامبر ۲۰۱۵ با هیأتی بلندپایه برای شرکت در اجلاس بیست اقتصاد بزرگ دنیا G20 به آنتالیای ترکیه آمد. در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۶ داود اوغلو، نخست‌وزیر ترکیه، از عربستان دیدار کرد. در این دیدار پیشنهاد تشکیل شورای عالی راهبردی میان دو کشور مورد موافقت طرفین قرار گرفت و مقرر شد تا در سفر آینده ملک سلمان که در ۱۳-۱۱ آوریل ۲۰۱۶ انجام گرفت، اسناد آن به امضا برسد. ترکیه با این طرح امیدوار است که میزان سرمایه‌گذاری سعودی که در حال حاضر دو میلیارد دلار است را تا سال ۲۰۲۳ به ۲۵ میلیارد دلار افزایش دهد. (Hatlani, 2016)

روابط اقتصادی

توسعه روابط تجاری بیشتر از آنکه از جانب سعودی‌ها مورد توجه قرار گیرد، از طرف ترک‌ها مورد توجه بوده است. مقامات ترک همواره سعی در رسانه‌ای کردن حجم روابط تجاری میان دو کشور داشتند و طرف سعودی بیشتر بر جنبه‌های سیاسی روابط و موضوعات منطقه‌ای تاکید

داشت. شرکت سعودی اوغور با مالکیت سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، یکی از سرمایه‌گذاران اصلی سعودی بود که وارد بازار ترکیه شد و با خرید ۵۵ درصد از سهام اپراتور صنایع ارتباطات ترک^۱ به ارزش ۶/۵ میلیارد در آگوست ۲۰۰۵ و ۸۱ درصد سهام آی‌آ^۲، یکی از اپراتورهای تلفن همراه ترکیه، نقش مهمی در بازار ترکیه ایفا کرد. این شرکت در حال حاضر سرمایه‌ای به ارزش ۱۵/۶ میلیارد دلار در بازار ترکیه دارد. (Oger, 2005)

با وقوع بحران غذایی در عربستان در ۲۰۰۸، دولت سعودی از سرمایه‌گذاران خواست تا در طرح‌های کشاورزی و احیای زمین‌های کشورهای نزدیک به عربستان تمرکز کنند. شرکت‌های تابوک و شرکت جهانی غذایی سیاره در بخش‌های غذاهای ارگانیک سرمایه‌گذاری کردند. این دو شرکت در شهر کلیس سرمایه‌گذاری به ارزش ۲۰ میلیارد دلار انجام دادند.

در ۲۰۰۸ با تصویب سازمان نظارت و قانون‌گذاری سهام بانک فینانس ترکیه به بانک تجاری ملی که مرکز آن عربستان است، واگذار شد و ۶۰ درصد دو شرکت بویداک و اولکر را به ارزش ۱/۰۸ میلیارد، خریداری کرد. (Gulf News, March 2008)

همچنین بیش از ۵۰ درصد سهام آک بانک (شاهزاده ولید بن طلال از سهام‌داران عمده آن است) و البرکه به سعودی‌ها تعلق دارد. در ۲۰۰۹ عبدالطیف جمیل صاحب بزرگ‌ترین شرکت توزیع اتومبیل تویوتا، ۶۵ درصد سهام شرکت تویوتا صابانجی (که وظیفه توزیع قطعات یدکی در ترکیه و اروپا را به عهده داشت) را به ارزش ۴۹ میلیون دلار از هلدینگ صابانجی خریداری کرد. علاوه بر این، عبدالطیف جمیل قصد سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری در بخش‌های انرژی، گردشگری و املاک سرمایه‌گذاری داشت، شرکت اعلام کرد که حجم سرمایه‌گذاری آن در ترکیه به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار رسیده است و با انجام سرمایه‌گذاری‌ها به یک میلیارد دلار خواهد رسید. (Arab News, 2009)

همکاری‌های نظامی ترکیه و عربستان سعودی

توسعه در روابط سیاسی دوجانبه تاثیر مثبتی در روابط نظامی میان دو کشور داشت، براساس

1. Turk Telekom
2. AVEA

آمار سازمان صنایع و شیمیایی ترکیه^۱ که مسئول تولید و تامین نیازهای اکثر تسلیحات و ابزارآلات نظامی ترکیه هست، عربستان در صدر فهرست خریداران تسلیحات از ترکیه هست که بعد از تحویل سیستم راکت انداز SS30 به ریاض در ۲۰۱۱ به میزان ۴۴/۵ میلیون لیر افزایش یافت. در فاصله سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ میزان این تجارت ۴۸ درصد افزایش یافت. (MKEK, 2016)

عربستان سعودی میزبان شرکت FNSS، شرکت هوایی و دفاعی است که شرکت مشترک سعودی، ترکیه و بریتانیا است و در زمینه صنایع دفاعی و امنیتی فعالیت می‌کند. (FNSS, 2015) حجم تجارت آن یک میلیارد دلار است و از ۲۰۰۴ وظیفه آن تامین صنایع و دفاع زمینی است. در ۲۰۰۷ این کمپانی مسئول مدیریت صنایع دفاعی در الخلیج شد (اولین کارخانه دفاعی که در ۱۹۵۳ در عربستان سعودی برای تولید مهمات و سلاح‌های سبک ایجاد کرده است) و قراردادی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار منعقد کرد. در ۲۰۱۱ عربستان سعودی قرارداد همکاری با آسیل‌سان^۲ برای خرید سیستم مخابرات SK2 4700 منعقد کرد و مقرر شد در ۲۰۱۳ تحویل داده شود. (Aselsan Rapor, 2011) ترکیه همچنین پیشنهاد خرید بالگرد آتاک T-129 را به سازمان امنیت ملی عربستان سعودی ارائه داده است، اما تاکنون خبری از نهایی شدن آن موجود نیست. (Saudi Arabian National Guard, 2011)

الف) رویکرد عربستان و ترکیه در مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه قبل از بهار عربی

یک. عراق بعد از تهاجم آمریکا

بعد از تهاجم آمریکا به عراق توازن قدرت در منطقه به نفع کشورهای غیرعرب و به ضرر کشورهای عرب شد، این حادثه تاثیر مهمی در سیستم منطقه‌ای عربی گذاشت و عملکرد کشورهای عربی نیز نشانی از ضعف آنها در برابر این حادثه بود. ناتوانی در اتخاذ سیاست واحد و واکنش متناسب به این تهاجم در داخل اتحادیه عرب، قرار گرفتن در مسیر سیاست خارجی ایالات متحده و پذیرش دوافکتوی وضعیت ایجاد شده به وسیله آمریکا از جمله ویژگی‌های مشترک کشورهای عربی بود.

(Salem, 2008: 14-17) اتحادیه عرب همانند جنگ ۱۹۶۷، انتفاضه ۱۹۸۸ و ۲۰۰۱ بعد از تهاجم

آمریکا به عراق حتی نتوانست جلسه‌ای برای بحث درباره آن برگزار کند. (Salem, 2008: 14-17)

عربستان سعودی چندان متمایل به عملیات نظامی آمریکا در عراق نبود و در این زمینه در پایین‌ترین سطح با آمریکا همکاری کرد. اما باز عربستان اجازه داد ایالات متحده از پایگاه نظامی پرنس سلطان برای فرماندهی عملیات هوایی و سوخت‌رسانی استفاده کند. (Starr, 2003) این کشور از سنی‌ها و ملی‌گرایان در عراق حمایت کرد و با ترویج وهابیسیم-سلفی به حمایت از سنی‌ها در برابر شیعیان پرداخت و راهبرد ناامن‌سازی در عراق را اتخاذ کرد. (Gause, 2007: 3-4) استفاده از کارت وهابیسیم در عراق و سایر کشورها با هدف بسیج کردن افکار عمومی داخلی در عربستان سعودی (حتی در مصر و اردن) برای مقابله با ایران بود و صرفاً دلیل جدایی‌طلبی نیز نداشت و نوعی توجیه برای حضور آن در سایر کشورها نیز محسوب می‌شد.

ترکیه رویکرد متفاوتی در قبال عراق داشت و با تصمیم ایالات متحده در تهاجم با عراق موافق نبود و به نتایج جنگ نیز چندان خوش‌بین نبود و احتمال تجزیه عراق و خودمختاری کردها را بسیار بالا می‌دید، لذا در صورت وقوع چنین وضعیتی ترکیه با کشوری کرد همسایه می‌شد. ترکیه طرفدار ادامه حکومت صدام حسین در عراق بود، لذا نخست‌وزیر بولنت اجویت نامه‌ای به صدام ارسال کرد که خواهان همکاری عراق با بازرسان سازمان ملل بود. (Turkish Foreign Ministry, 2016) از سوی دیگر ترکیه شروع به مذاکره با ایالات متحده در مورد شرایط خود برای شرکت در عملیات نظامی کرد و شرایطی مانند افزایش نیروهای ترکیه در شمال عراق به‌منظور اسکان پناهنجویان در شمال عراق و نه در ترکیه، مبارزه با پ.ک.ک، افزایش نیروهای خارجی در منطقه شمال عراق، اعمال محدودیت‌ها برای رهبران کرد عراقی و توجه به وضعیت موصل و کرکوک از جمله خواسته‌های آنان بود.

ترکیه به‌عنوان بخشی از سیاست منطقه‌ای خود در چارچوب گسترش روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای خاورمیانه، روابط اقتصادی خود با گروه‌های عراقی، به‌ویژه کردها را توسعه داد و فرصتی برای حکومت اقلیم شمال عراق به‌منظور دسترسی به بازارهای اروپایی ایجاد کرد و تلاش نمود روابط اقتصادی قدرتمندی با این منطقه به‌ویژه با اربیل ایجاد کند. از سوی دیگر، ترکیه روابط دیپلماتیک نیز با حکومت اقلیم شمال عراق ایجاد کرد و هم‌زمان مجموعه عملیاتی

علیه پ.ک.ک در شمال عراق انجام داد. (Hurriyet English, Mayis 2008)

ابتدا آنکارا نقش میانجی‌گری در صحنه تحولات عراق ایفا می‌کرد و بر حفظ تمامیت ارضی آن و جلوگیری از تجزیه آن تاکید داشت و با رویکرد میانجی‌گری سعی در افزایش اعتبار خود در میان تمام گروه‌های عراقی داشت. به‌رغم این رویکرد میانجی‌گرانه ترکیه در انتخابات ۲۰۱۰ از نامزدی ایاد علاوی برای نخست‌وزیری حمایت کرد و در فاصله سال‌های نخست‌وزیری نوری المالکی شدیدترین انتقادات را علیه دولت مالکی مطرح کرد.

حمله آمریکا با عراق باعث ایجاد آرایش جدید در داخل عراق شد، ترکیه و عربستان سعودی از این تحولات براساس برداشت‌های خود هریک امور خاصی را امنیتی کردند، تهدیدات و منافع منطقه‌ای خود را مشخص کردند. آنان در موضوعاتی مانند حفظ تمامیت ارضی عراق، ترس از افزایش نفوذ ایران در عراق، و حمایت از ایاد علاوی در انتخابات ۲۰۱۰ تاکید داشتند.

دو. لبنان

در زمان تهاجم اسرائیل به لبنان در ۲۰۰۶، عربستان سعودی به حمایت از اسرائیل و مخالفت با حزب‌الله لبنان پرداخت. (Al-Sharq Al-Awsaat, June 2006) در حوادث سال ۲۰۰۸ نیز عربستان به مخالفت با حزب‌الله پرداخت. ترکیه برخلاف عربستان در ناآرامی‌های لبنان در ۲۰۰۸ میان ائتلاف هشت مارس و ۱۴ مارس که احتمال تشدید جنگ داخلی در لبنان را افزایش می‌داد و باعث بی‌ثباتی در منطقه می‌شد، بی‌طرفی را برگزید و از گفتگوهای میان طرفین حمایت کرد. برخلاف عربستان، ترکیه در مورد نقش ایران و سوریه در لبنان مادامی که منافع اقتصادی ترکیه را به‌خطر نمی‌افتاد، بدبین نبود؛ به‌ویژه اینکه ترکیه روابط خوبی با سوریه و ایران نیز داشت. لذا ترک‌ها برای ادامه مذاکرات به گروه هشت مارس فشار می‌آوردند. ترکیه به‌طور مستقیم میان دولت لبنان (ائتلاف ۱۴ مارس) و سایر حامیان منطقه‌ای ائتلاف هشت مارس (قطر) میانجی‌گری کرد و در نهایت منجر به توافق دوحه شد و بحران ریاست جمهوری پایان یافت و این کشور به مراسم تحلیف رئیس‌جمهور لبنان، میشل سلیمان نیز دعوت شد. وی در ۲۰۰۸ اولین رئیس‌جمهور لبنان بود که از ترکیه دیدار کرد. (ORSAM Report No 5, August 2009)

تحولات عراق و لبنان تأثیرات بر دو کشور ترکیه و عربستان داشت. حفظ تمامیت ارضی عراق و ترس از گسترش نفوذ ایران در منطقه موضوع مشترک میان دو کشور بود. در لبنان مواضع دو کشور همگون نبود، اما تعارضی نیز وجود نداشت. عربستان سعودی همواره حامی ائتلاف ۱۴ مارس بود، حال اینکه ترکیه به دنبال ایفای نقش میانجی میان ائتلاف ۱۴ مارس با هشت مارس بود؛ زیرا ترکیه از هرگونه درگیری مستقیم با ایران اجتناب می کرد.

ب) رویکرد عربستان و ترکیه در مجموعه امنیت منطقه‌ای خاورمیانه قبل از بهار عربی

ابعاد منطقه‌ای تحولات مصر در ۲۰۱۳-۲۰۱۱ و بحران سوریه از ۲۰۱۱ در این بخش بررسی خواهد شد و رویکرد ترکیه و عربستان در قبال این دو بحران و تأثیرات آن بر فهم آنها در مجموعه امنیتی و روابط متقابل مورد مطالعه قرار می گیرد.

یک. قیام مصر

بهار عربی در دسامبر ۲۰۱۰ به دنبال اعتراض‌ها در تونس آغاز شد و بلافاصله بر کل منطقه سرایت کرد و جغرافیای سیاسی کشورهای عربی را در معرض تغییر دولت قرار داد. قدرت گرفتن بازیگران غیردولتی و زیر سوال بردن برخی ساختارهای منطقه‌ای (به ویژه سیستم‌های منطقه‌ای عربی) از جمله نتایج این تحولات بود. ناآرامی‌ها در مصر به عنوان مهم‌ترین کشور جهان عرب نقطه عطف بسیار مهمی در شیوع بهار عربی محسوب می شد (Aras & Folk, 2015: 327) و شرایط منطقه‌ای و جهانی را به شدت متاثر ساخت.

شکست سنگین متحدین سنی عربستان در عراق، لبنان و فلسطین هم‌زمان با آغاز تحولات بهار عربی بود. در ۲۰۱۰ به رغم اینکه ایاد علاوی توانست آرای قابل توجهی را کسب کند، نوری المالکی برای بار دوم نخست‌وزیر عراق شد. در لبنان، شکست کامل عملیات اسرائیل برای تضعیف حزب الله و پیروزی آن در توافق نامه دوحه در ۲۰۰۸ در مقابل ائتلاف ۱۴ مارس و تاخیر حماس در بهبود روابط خود با فتح و در اختیار داشتن نواره غزه، باعث شد (Gause, 2011:16) تا قدرت منطقه‌ای ایران به بالاترین سطح خود برسد و جهان اسلام، ایران را به عنوان کشوری پایبند به اصل

دفاع از مظلومین ببیند. عربستان در نیمه اول ۲۰۱۱ شاهد سقوط رژیم‌های متحد خود در جهان عرب (حسنى مبارك در مصر، بن علي در تونس) به وسیله اعتراضات مردمی بود. اعتراضات در بحرین نیز آغاز شد. بنابراین تحولات در جریان مخالف خواست عربستان قرار گرفت، وضعیت پیش آمده باعث شد تا عربستان منافع خود را در بی‌ثبات کردن منطقه و تقویت سیاست وهابی‌گری خود ببیند و رهبری جریان بی‌ثباتی در منطقه را ایفا کند.

بعد از سقوط مبارك، عربستان تلاش کرد با ارایه کمک‌های مالی و تقویت متحدین سلفی خود در مصر نقش رهبری را ایفا کند. ریاض اعلام نمود چهار میلیارد دلار برای حمایت از اقتصاد مصر در قالب وام بدون سود، کمک مالی و سپرده به مصر اهدا خواهد کرد. (Razzouk, 2011) با روی کار آمدن محمد مرسی در مصر، عربستان از رویکرد مرسی به ایران بسیار بیمناک شد و از نزدیکی روابط ترکیه و اخوان المسلمین مصر نیز چندان خشنود نبود و ترکیه را به عنوان منبع الهام اخوانی‌ها می‌دید. با این حال عربستان برخلاف امارات متحده عربی کانال ارتباطی خود با مصر را نبست. عربستان قرارداد وامی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار و تامین اعتباری به ارزش ۷۵۰ میلیون برای واردات نفت در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۳ منعقد کرد. (Egypt Independent, Jun 2013)

عربستان اولین کشور بود که در ۱۲ جولای ۲۰۱۲ با مرسی در مصر دیدار کرد تا اطمینان حاصل کند که مصر به دنبال بهبود روابط خود با ایران نیست و موضع ضد سوری خود را نیز حفظ خواهد کرد. اما سعودی‌ها به طرح مرسی درباره سوریه در اجلاس سازمان همکاری اسلامی در آگوست ۲۰۱۲ واکنش مثبتی نشان ندادند و زمانی که اخوان المسلمین برای تلافی مخالفت‌های امارات متحده عربی آماده نزدیکی به ایران می‌شد، با مخالفت عربستان مواجه شد. مقامات سعودی همچنین از سفر هشام قنديل، نخست‌وزیر مصر به عراق برای بهبود روابط اقتصادی میان دو کشور در فوریه ۲۰۱۳ نیز ناخرسند بودند. (Farouk, 2014: 20-22) بعد از کودتای نظامیان علیه مرسی، عربستان سعودی اولین کشوری بود که ریاست جمهوری موقت عدلی منصور را تبریک گفت. صعود الفیصل برای کاهش فشار بر دولت کودتا در مصر در آگوست ۲۰۱۳ در پاریس با اولاند، رئیس‌جمهور فرانسه، ویلیام هیگ، وزیر خارجه انگلستان و کریستوفر هیسکن، مشاور دولت آلمان دیدار کرد. عربستان همچنین اعلام کرد که هرگونه قطع کمک‌های آمریکا و قدرت‌های

غربی به مصر را جبران خواهد کرد. (Egyptian Independent, February 2014)

ترکیه در آغاز تحولات بهار عربی ابتدا به دنبال حفظ وضع موجود بود؛ زیرا این کشور سرمایه‌گذاری قابل توجهی در برخی از این کشورها انجام داده بود. واکنش ترکیه به اعتراضات در بهار عربی موردی و برحسب سطح روابط خود با این کشورها بود. ترکیه از انقلاب تونس استقبال کرد، در لیبی به خاطر دارا بودن منافع اقتصادی مهمی در این کشور (در حدود ۲۰ میلیون دلار) از انقلاب استقبال نکرد و با آغاز حملات هوایی ناتو به لیبی ترکیه نیز از اعتراضات حمایت کرد. با شدت گرفتن اعتراضات در سوریه، ترکیه از تغییر رژیم در سوریه حمایت کرد. موضع ترکیه در قبال بحرین کاملاً متضاد با سایر کشورها بود، داوود اوغلو، وزیر خارجه وقت اعلام کرد که «نیازی به تغییر در این کشور نیست»؛ زیرا احتمال تقابل با عربستان سعودی وجود داشت که کاملاً به ضرر منافع اقتصادی و سیاسی ترکیه در رابطه آن با کشورهای حوزه خلیج فارس بود. (Fuller, 2014: 253)

بنابراین ترکیه بعد از دکترین تنش صفر با همسایگان که منجر به تقویت روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی با کشورهای عرب شد، از نسخه دوم این نظریه بحث کرد. داوود اوغلو استدلال می‌کرد که «ترکیه در دوره قبل از بهار عربی روابط خود با این دولت‌ها را توسعه داد؛ زیرا این حکومت‌ها در جنگ با مردم خود نبودند اما با آغاز سرکوب‌ها، ما در کنار مردمی که خواسته‌های مدنی و دموکراتیک دارند، قرار خواهیم گرفت.» (Davutoğlu, 2012: 6) از سوی دیگر، چرخه دیگری در سیاست خارجی ترکیه ایجاد شد و آن دستیابی به توازن میان امنیت و آزادی بود. احمد داوود اوغلو آن را چنین عنوان می‌کند: «ما به دولت‌ها توصیه می‌کنیم که به خواست مردم خویش بی‌اعتنا نباشند و از آنها تقاضا داریم میان آزادی و امنیت توازن برقرار کنند، اگر امنیت فدای آزادی شود، منجر به هرج و مرج خواهد شد و اگر آزادی فدای امنیت شود، باعث ایجاد رژیم‌های دیکتاتوری خواهد شد.» (Davutoğlu, 2012: 6)

بعد از سرنگونی رژیم مبارک، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، عبدالله گل اولین رهبر خارجی بود که در ۲۰۱۱ از مصر دیدار کرد، ترکیه همچنین متعهد شد تا مبلغ دو میلیارد دلار به عنوان وام به مصر را اعطا کند. همچنین قول اعطای کمک‌های فنی برای حل مسئله خدمات شهری را داد و در آن زمان احتمال روی کار آمدن اسلام‌گرایان اخوانی بعد از انتخابات در مصر بسیار بالا بود.

(Haber Monitor, 27 May 2013) و ترکیه نیز به دنبال تقویت این رابطه بود؛ زیرا از نظر ایدئولوژیکی به عدالت و توسعه بسیار نزدیک بود و از اواسط ۲۰۱۱ روابط عدالت و توسعه ترکیه و حزب آزادی و عدالت (شاخه سیاسی اخوان المسلمین مصر) در عالی ترین سطح بود.

عدالت و توسعه سرنگونی اخوان المسلمین را در تهدیدی برای مشروعیت خود می دید، در می ۲۰۱۳ استانبول شاهد اعتراض های پارک گزی بود (Akyol, Al-Monitor, May 2013) و تصمیم گیران سیاست خارجی ترکیه قدرت پشت پرده اعتراضات را همان قدرتی می دانستند که باعث سقوط دولت مرسی شد. احمد داوود اوغلو، نخست وزیر وقت ترکیه، در ۲۰۱۴ اعلام کرد: «آنها به دنبال تبدیل ترکیه به مصر و روی کار آوردن سیسی دیگر در ترکیه هستند.» (Sabah Newspaper, May 2015) بسیاری از مطبوعات وابسته به عدالت و توسعه ادعا کردند که کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه عربستان و امارات، اعتراضات علیه عدالت و توسعه را حمایت مالی کردند. (Selvi, Yenisafak Newspaper, May 2015)

با سقوط مرسی ترکیه روابط دیپلماتیک خود با مصر را قطع کرد، روابط گرم و در حال گسترش با عربستان تا حدودی متوقف شد و تنش صفر با سوریه، ایران و عراق به حالت پرتنش تغییر یافت و به قول ابراهیم گالین، مشاور نخست وزیر ترکیه، در وضعیت تنهایی ارزشمند قرار گرفت. (Kalin, Tv24, August 2013)

بحران سوریه

عربستان برای جلوگیری از سرایت ناآرامی ها و هرج و مرج موجود در مصر به سایر کشورها به ویژه حوزه خلیج فارس دیپلماسی را در اولویت قرار داد، اما در مورد سوریه کاملاً موضعی جنگ طلبانه و مغرضانه داشت و از آغاز در کنار گروه های مخالف اسد قرار گرفت و کشورهای مصر، قطر، امارات متحده، اردن، ترکیه، انگلستان، آمریکا، فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز رویکرد مشابهی را اتخاذ کردند.

تحولات سوریه فرصت خوبی برای عربستان بود تا نیروهای مخالف اسد را هم از نظر مالی و هم از نظر ایدئولوژیکی حمایت کند و فرصتی شد تا عربستان توازن قدرت منطقه ای خود را که از زمان

اشغال عراق در ۲۰۰۳ در مقابل ایران کاملاً از دست رفته می‌دید، تقویت کند. تغییر دولت اسد به احتمال زیاد باعث روی کار آمدن حکومت سنی در سوریه و کاهش نفوذ ایران در آن می‌شد و کمک‌های ایران به لبنان نیز متوقف می‌شد و معادلات در لبنان نیز به نفع عربستان می‌شد. البته عربستان به جای حمایت از شاخه اخوانی مخالفان سوری و چهره‌هایی مانند معاذ خطیب و جورج صبرا، از جبهه سلفی و مخالف اخوان حمایت می‌کرد.

ترکیه در ابتدا تصور می‌نمود که همانند تونس و مصر دولت اسد نیز سقوط خواهد کرد. لذا از همان ابتدا به دنبال ایفای نقشی اثرگذار و قدرتمند برآمد و میزبان اجلاس گروه دوستان سوریه در آوریل ۲۰۱۲ بود و پیشنهاد تشکیل کارگروه تحریم‌ها برای تضعیف سوریه از جمله اقدامات تکیه در این زمینه بود و با طولانی شدن درگیری‌ها در سوریه، این کشور عملاً از ورود نیروهای سلفی به داخل سوریه چشم‌پوشی می‌کرد. درگیری ترکیه در امور سوریه، این کشور را با مشکلات داخلی مواجه کرد که مسئله کردها یکی از مهم‌ترین این مسائل بود. (Altunışık, 2013: 3-7) گروه‌های کرد سوری به دنبال اعلام استقلال نسبی از دولت سوریه همانند کردهای شمال عراق بودند و پ.ک.ک هم در شمال عراق و هم شمال سوریه دارای پایگاه‌های قوی بود و اسد نیز به کردها اجازه داد تا کنترل کوبانی، قامشلی، مالکیه، و عفرین را در مجاورت مرز ترکیه به دست گیرند و گفتگوهای صلحی که در ۲۰۱۳ از جانب دولت ترکیه برای آشتی با کردها به وجود آمده بود، عملاً شکست خورد و درگیری‌ها از جولای ۲۰۱۵ دوباره از سر گرفته شد.

با تشدید درگیری‌ها در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ زمینه مناسبی برای اسلام‌گرایی افراطی در سوریه ایجاد شد و مقامات ترکیه در رویکرد خود تجدیدنظر کرده و گروه‌های دیگری مانند جبهه النصره، وابسته با القاعده، و احرار شام وارد مناطقی از ترکیه شدند. در ۲۰۱۳ دولت آمریکا به سبب بی‌توجهی آنکارا در مبارزه با گروه‌های افراطی، ترکیه را به شدت مورد انتقاد قرار داد و ترکیه در ظاهر به ائتلاف مبارزه با داعش در اواخر ۲۰۱۴ پیوست، اما چندان به این امر اهمیت نمی‌داد و دولت اسد را مهم‌ترین تهدید امنیتی خود تلقی می‌کرد و ایالات متحده را به دلیل نادیده گرفتن این موضوع مورد انتقاد قرار می‌داد. (Tastekin, 2015: 6-7)

آنکارا نگران بود که ائتلاف به رهبری ایالات متحده علیه داعش دو تهدید مضاعف را برای ترکیه

به همراه داشته باشد. اول اینکه موضع کردهای سوریه را که روابط بسیار نزدیکی با جدایی طلب‌های پ.ک.ک دارند را تقویت کند؛ زیرا یگان‌های مدافع خلق (YPG) کردی، مهم‌ترین نیروهای پیکار جو علیه داعش محسوب می‌شوند. دوم حمله به داعش باعث تثبیت دولت اسد در دمشق شود. بنابراین ترکیه مجبور به انتخاب از میان تهدید داعش و قدرت گرفتن کردها و دولت اسد باشد.

بعد از این تحولات، آنکارا بسیار مشتاق به ایفای نقش فعال در مبارزه با داعش و کردهاست، اما از معکوس شدن دینامیسم‌های حاکم بر منطقه علیه خود بسیار بیمناک است، آموزش نیروهای مخالف اسد در منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه را گامی درست در این مسیر می‌داند که با تقویت پایگاه اینجریلیک قابل حصول می‌باشد، اما ایجاد منطقه پرواز ممنوع مستلزم حمایت ناتو و ایالات متحده آمریکا بود و حملات هوایی روسیه در این منطقه عملاً اجرای این طرح را نیز برای ترکیه ناممکن ساخت. رویکرد ترکیه در قبال سوریه تفاوت‌هایی با مواضع کشورهای عضو خلیج فارس دارد، عربستان سعودی و امارات متحده تمایلی به مبارزه علیه کردها ندارند.

بحران‌های سوریه و مصر نشان داد که قیام‌های مردمی و درگیری‌ها چگونه می‌تواند باعث ایجاد نتایج پیچیده‌ای برای ترکیه و عربستان سعودی در منطقه شود، و دو کشور از ابزارهای متفاوتی در مواجهه با این بحران‌ها استفاده کنند. مصر نمونه کاملی از انشقاق در اهداف ترکیه با عربستان بود و سوریه نیز نقطه هم‌گرایی در روابط دو کشور بعد از اختلافات تاکتیکی بود.

نتیجه‌گیری

ترکیه در آغاز بهار عربی تصور می‌کرد که می‌تواند به‌عنوان کشور مدل به ایفای نقش بپردازد و خود را به‌عنوان نماد هم‌زیستی اسلام و دموکراسی معرفی کند و از حالت بازیگر حاشیه‌ای و واسط خارج شده و به‌عنوان کشور نظم‌دهنده منطقه‌ای ایفای نقش نماید و در مقابل دو گفتمان ایرانی و سعودی خاورمیانه، مجموعه امنیتی نوینی را ایجاد کند. اما قابلیت‌های داخلی آن، عدم پذیرش نقش رهبری آن در مجموعه امنیتی جدید و دینامیسم‌های حاکم بر سیاست بین‌الملل چنین اجازه‌ای به ترکیه نداد و لذا ترکیه با درک واقعیت‌های موجود در منطقه به‌نوعی درصدد ایفای نقش موازنه‌گر و بازگشت به جایگاه کشور حائل در مجموعه امنیتی منطقه‌ای برآمد. از سوی دیگر

نیازهای اقتصادی، واقعیت‌های سیاسی موجود در سوریه و سیاست‌های هویتی موجود آن را مجبور به رابطه‌ای نزدیک‌تر با عربستان کرده است. در قدم بعدی ترک‌ها به دنبال عادی‌سازی روابط خود با روسیه، اسرائیل و مصر هستند؛ رابطه‌ای که در درجه اول باعث کاهش پرستیژ آن در سیاست بین‌الملل و بی‌اعتمادی سایر کشورها به آن به‌ویژه ایران خواهد شد.

تصور ایران به‌عنوان تهدید، مهم‌ترین فاکتور نزدیکی اعراب به ترکیه محسوب می‌شود. اقلیت‌های شیعی در عربستان تنها عامل تهدیدکننده این کشور نیستند، بلکه ناامنی‌های منطقه‌ای نیز نقش عمده‌ای در نزدیکی عرب‌ها به ترکیه دارد. از منظر اعراب، سیاستمداران ترک وجه مشترک هویتی با آنها (سنی بودن) را دارند و در مبارزه با ایران نیز ترک‌ها باید نقش جدی‌تر و مهم‌تری ایفا نمایند. اما اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس (به‌ویژه عربستان سعودی) ترکیه را به‌عنوان بنیان‌گذار مجموعه امنیتی جدید قبول کنند بسیار بعید و در عین حال ناسازگار با سیاست‌های تهاجمی کشورهای این حوزه است.

اهمیت بالای ایران در فهم تهدیدات عربستان و قائل شدن اهمیت راهبردی برای ترکیه در مبارزه با ایران، این سوال را برای تصمیم‌سازان سعودی ایجاد می‌کند که تا چه حدی می‌توانند بر ترکیه و تعهد آن نسبت به عربستان تکیه نمایند؟ ترکیه و ایران توانسته‌اند به‌رغم اختلافات اساسی در موضوعات سیاست خارجی (مصر، سوریه، بحرین، عراق و یمن) روابط خود را مدیریت کنند و کمترین تنش را داشته باشند. رابطه ترکیه با ایران، یک رابطه چندوجهی و پیچیده است که شامل روابط اقتصادی، وابستگی انرژی، وابستگی‌های فرهنگی است. حال اینکه رقابت میان شیعه و سنی، رقابت در حوزه انرژی و رقابت در حوزه‌های عراق، سوریه و یمن از عمده‌ترین چالش‌های ریاض با تهران است. از منظر عربستان سعودی هرگونه بهبود و روان‌سازی رابطه با تهران به معنی پذیرش نقش رهبری ایران در منطقه محسوب می‌شود و تا انتخاب رییس‌جمهور آینده آمریکا راهبردی به‌جز منازعه و تنش با ایران را انتخاب نخواهد کرد.

عربستان سعودی بعد از سرخوردگی از قطر (در حمایت از اخوان المسلمین)، پاکستان (تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران) و مصر (مشارکت در جنگ یمن) سعی در جذب ترکیه دارد. در اکثر معادلات منطقه به‌رغم حمایت متحدین غربی، عربستان مغلوب بوده است و به‌عنوان آخرین حربه

سعی در ایجاد تنش میان ترکیه و ایران دارد. متحدین غربی عربستان نیز تردیدهایی جدی به عربستان در مقابله با خطر ایران دارند. در واقع غرب بعد از انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) میان ایران و ۵+۱ سیاست تقویت جبهه عربی و سنی را به عنوان عامل محدودکننده قدرت منطقه‌ای ایران تا حدودی کنار گذاشته است و دو طرف توانستند با مذاکرات مستقیم و استفاده از زبان مفاهمه تاثیر عوامل حاشیه‌ای (بزرگ‌نمایی تهدید ایران توسط اسرائیل و عربستان) را به حداقل برسانند و غربی‌ها به رغم تفاوت‌های بنیادی در نگرش به تحولات سوریه، ایران را قدرتی واقع‌گراتر و مسئولیت‌پذیرتر از سایر بازیگران منطقه‌ای می‌بینند و البته نقش دیپلماسی هوشمند و سازنده ایران نیز در این رویکرد بسیار موثر بوده است و می‌بایست ادامه یابد.

روابط تجاری ترکیه با عربستان

سال	میزان صادرات (بر حسب میلیون دلار)	واردات (بر حسب میلیون دلار)	میزان (بر حسب میلیون دلار)	تراز (بر حسب میلیون دلار)
۲۰۰۴	۷۶۹	۳۵۴	۱۲۳.۱	۴۱۵
۲۰۰۵	۹۶۲	۵۸۷	۵۴۹.۱	۳۷۵
۲۰۰۶	۹۸۳	۶۲۳	۶۰۶.۱	۳۶۰
۲۰۰۷	۴۸۶.۱	۷۳۶	۲۲۲.۲	۷۵۰
۲۰۰۸	۲۰۱.۲	۹۰۹	۱۱۰.۳	۲۹۲.۱
۲۰۰۹	۷۶۸.۱	۷۷۶	۵۴۴.۲	۹۹۲
۲۰۱۰	۲۱۷.۲	۳۸۰.۱	۵۹۷.۳	۸۳۷
۲۰۱۱	۷۶۴.۲	۰۰۱.۲	۷۶۵.۴	۷۶۳
۲۰۱۲	۶۷۶.۳	۱۷۱.۲	۸۴۷.۵	۵۰۵.۱
۲۰۱۳	۱۹۱.۳	۰۱۵.۲	۲۰۶.۵	۱۷۶.۱
* ۲۰۱۴	۰۴۷.۳	۳۴۳.۲	۳۹۰.۵	۷۰۴
۲۰۱۴	۵۲۸.۲	۳۳۷.۳	۸۶۵.۵	-۸۰۹
۲۰۱۵	۸۷۴.۲	۵۶۸.۲	۴۴۳.۵	۳۰۶

آمار مربوط به ده ماه اول سال ۲۰۱۴ هست.

از سایت وزارت اقتصاد ترکیه <http://www.ekonomi.gov.tr>

محورهای اشتراک و انشقاق سیاست خارجی ترکیه و عربستان در خاورمیانه پیش از بهار عربی

عراق	لبنان	رویکرد عربستان و ترکیه
حفظ تمامیت ارضی عراق ترس از افزایش نفوذ ایران حمایت از سنی‌ها در انتخابات عراق	حفظ ثبات در لبنان ممانعت از ادامه تنش‌ها در ۲۰۰۸ و منطقه‌ای شدن آن	نقاط اشتراک
امنیتی شدن و غیر امنیتی شدن تشیع سیاست‌های متفاوت در پشت پرده حمایت از سنی‌ها دیدگاه‌های مختلف درباره افزایش نفوذ ایران	پاسخ‌های متفاوت نسبت به بحران رویکردهای متفاوت به حزب الله و ایران	نقاط افتراق

محورهای اشتراک و انشقاق سیاست خارجی ترکیه و عربستان در خاورمیانه بعد از بهار عربی

سوریه	مصر	رویکرد عربستان و ترکیه
حمایت‌ها از اعتراضات حمایت از پناهندگان مخالفت با اسد در سطح بین‌المللی حمایت از اقدامات نظامی مخالفان نفوذ ایران		نقاط مشترک
مسئله کردها اختلاف بر سر حمایت از اخوان المسلمین	حمایت از اخوان المسلمین در مقابل نظامیان نفوذ ایران	نقاط افتراق

منابع و یادداشت‌ها:

۱. العلاقات السعودية التركية (۲۰۱۵)، *الواقع والمستقبل*، مركز صناعة الفكر للدراسات والابحاث، ۲۲ ابريل.
2. Akyol, Mustafa(2013), "How Morsi Matters in Turkish Politics," *Al-Monitor*, <http://www.al-monitor.com/pulse/tr/originals/2015/05/turkey-egypt-mohammed-morsi-sentence-erdogan.html>.
3. Altunisik, Meliha Benli (May2012), "Bitter Frenemies The Not-Quite-Alliance Between Saudi Arabia And Turkey," *Foreign affairs*.
4. Arakan, Mahmut Bali (1993), "Turkey and the OIC: 1984-1992," *The Turkish Yearbook of International Relations*, Vol. XXIII, Ankara University.
5. Aras, Bulent and Folk, Richard(2015), "Authoritarian 'geopolitics' of Survival in the Arab Spring," *Third World Quarterly*, Vol. 36, No 2.
6. Barrinha, Andre(2014), "The Ambitious Insulator: Revisiting Turkey's Position in Regional Security Complex Theory," *Mediterranean Politics*, Vol. 19, Issue 2.
7. Buzan, Barry, Waever, Ole, Wilde, Jaap de.(1998), *Security: A New Framework of Analysis*, Lynne Rienner Publisher.
8. Buzan, Barry(1986), "A Framework for Regional Security Analysis," in Buzan, Barry and Gowher Rizvi (ed.), *South Asian Insecurity and the Great Power*, London, Macmillan.
9. Buzan, Barry(1983), *People, States, and Fear: The National Security Problem In International Relations*, University of North Carolina Press, p. 106.
10. Davutoğlu, Ahmet(2012), "Principles of Turkish Foreign Policy and Regional Political Structuring," *Turkey Policy Briefs Series*, International Policy and Leadership Institute.
11. Ehteshami, Anoushiravan(2014), "Middle East Middle Powers: Regional Role, International Impact," *International Relations*, 11 (42).
12. Farouk, Yasmine(April 2014), *More than Money: Post-Mubarak Egypt, Saudi Arabia, and the [Persian] Gulf*, GRC GULF PAPER.
13. FNSS Saudi Arabia(2015), <http://www.bayt.com/en/company/fnss-middle-east-llc-1511184/>.
14. Fuller, Graham(2014), "Turkey and the Arab Spring", Bozorg Press, 2014.
15. Gause III, F. Gregory(September 2011), "Saudi Arabia in The New Middle East," *Council on Foreign Relations*, Special Report no. 63.
16. Gause, Gregory(March 2007), Saudi Arabia: Iraq, Iran, the Regional Power Balance, and the Sectarian Question Strategic Insights, Volume VI, Issue 2.

17. Karam, Souhail (April 2010), "Saudi's Agro invest to raise \$533m for farm investments".
18. Kayaoglu, Turan(2015), *The Organization of Islamic Cooperation: Politics, Problems and Potential*, Routledge, Chapter 3.
19. Koni, Hakan (Winter, 2012), "Saudi Influence on Islamic Institutions in Turkey Beginning in the 1970s," *Middle East Journal*, Vol. 66, No 1.
20. Lake, David A. (ed.) and Morgan, Patrick M. (ed.)(1977), *Regional Orders: Building Security in a New World*, Penn State University Press.
21. "MKEK(March 2016), "5 kıtaya silah sattı kar rekoru kırd," <http://www.hurriyet.com.tr/ekonomi/20052936.asp>
22. Muhittin Ataman, İsmail Akdoğan(2012), *Suudi Arabistan*, in: <https://www.ciaonet.org/attachments/27177/uploads>
23. ORSAM, Report (August 2009), "Turkish-Lebanon Relations," no.5, http://www.orsam.org.tr/en/enUploads/Article/Files/2009820_rapor_05_eng_webIc.pdf.
24. Razzouk, Nayla, Saudi Arabia Gives \$4 Billion Egyptian Economic Aid, SPA Says, Bloomberg, May 21, 2011, In: <http://www.bloomberg.com/news/articles/2011-05-21/saudi-arabia-gives-4-billion-egyptian-economic-aid-spa-says>.
25. *Sabah Newspaper* (May 2015), "Türkiye'de olmayınca Mısır'da darbe yaptılar," <http://www.sabah.com.tr/gundem/2015/05/17/turkiyede-olmayinca-misirda-darbe-yaptilar>.
26. Salem, Paul(June 2008), "The Middle East: Evolution of A Broken Regional Order," Carnegie Papers, no. 9.
27. Salha, Samir (September, 2008), "Turkish-Gulf Partnership: How will Iran Act?" <http://archive.aawsat.com/leader.asp?section=3&article=486754&issueno=10882#VenUrhGeDGc>.
28. "Saudi Arabian National Guard, TAI and T-129 ATAK helicopter", September 2011, http://www.tacticalreport.com/view_news/Saudi_Arabian_National_Guard_TAI_and_T-129_ATAK_helicopter/2170.
29. Selvi, Abdul Kadir(2015), "Morsi in Egypt, Erdogan in Turkey," *Yenisafak Newspaper*, May 18.
30. Shehata, Samir(October 2011), "Egypt Declined during Mubarak's Rule," *The New York Times*, <http://www.nytimes.com/roomfordebate/2011/10/07/is-egypt-losing-its-regional-ower/egypt-declined-during-mubaraks-rule>.
31. Starr, Barbara(April 2003), "US to Move operations from Saudi Base," CNN, <http://edition.cnn.com/2003/WORLD/meast/04/29/sprj.irq.saudi.us/>.

32. Tastekin, Fahim (March 2015) "Are Turkey and Saudi Arabia Working Together Against Iran?" In *Al - Monitor*.
33. Turkish Foreign Ministry(2016), "Relations between Turkey and Iraq," [http://www. mfa. gov. tr/relations-between-turkey-and-iraq. en. mfa.](http://www.mfa.gov.tr/relations-between-turkey-and-iraq.en.mfa)
34. Uras, Gungor (May 2011), "Katılım Bankaları (Faizsiz Bankacılık) Finans Sisteminin Bir Parçası Oldu," *Milliyet*, [http://www. milliyet. com. tr/katilim-bankalari-faizsiz-bankacilik-finans-sisteminin-bir-parcasi-oldu/ekonomi/ekonomiyazardetay/19. 05. 2011/1392052/default. Htm](http://www.milliyet.com.tr/katilim-bankalari-faizsiz-bankacilik-finans-sisteminin-bir-parcasi-oldu/ekonomi/ekonomiyazardetay/19.05.2011/1392052/default.Htm)
35. Waever, Ole(1995), "Securitization and Desecuritization," in Ronnie D. Lipschutz (ed.) , *On Security*, Columbia University Press.
36. Wendt, Alexander(Spring, 1992), Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics International Organization, Vol. 46, No. 2.